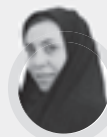


# رفع عطش باقرص نمک

روایت ۲۲ رزمنده بازگشته از عملیات رمضان در خرمایزان خوزستان

الهام مهدیزاده  
e.mahdizadeh@shahraranews.ir



حرف‌هایشان گرمی خاصی دارد. گرمی خوزستان، خرمایزان، تشنگی و عطش و جنگ و جنگ و جنگ. روایت مربوط به ۲۲ تیر سال ۶۱ و عملیات رمضان است؛ همان ایامی که مردان این سرزمین زیر آفتاب ۵۰ درجه خوزستان و طوفان شنی که مثل نقره داغ روی سر و صورتشان می‌نشست، مقابل بعضی‌ها ایستادند. جان دادند و ایستادند. سالروز عملیات رمضان سبب شد روایت این هفته پلاک سرخ را اختصاص بدهیم به داستان دور رزمنده مشهدی که وقتی دانش آموز بودند، راهی جبهه‌های جنگ شدند؛ دو علی که از آتش و خون عملیات رمضان برگشته‌اند؛ یکی کاشانی، یکی تفقد.

● خاکریزهای مثلثی اسرائیلی صحبت‌مان با این رزمنده‌های دوران دفاع مقدس در خانه‌ای است که برای زنده نگه‌داشتن نام و یاد شهیدا و ایثارگران وقف شده است. دورتادور خانه را گونی کشیده‌اند. روی دو دیوار نقشه‌های بزرگی از عملیات‌های کربلا نصب کرده‌اند. تمام گوشه‌ها و چهار کنج از تصاویر شهیدا پر شده است؛ شهدایی که با نگاه‌های نافذ به تو چشم دوخته‌اند. حس و حال غریبی تا شروع گفت‌وگو با این دو رزمنده عملیات دفاع مقدس غالب است.

«عملیات رمضان عملیات عجیبی بود. این را من منی که از اولین روزهای جنگ تا دو سال بعد قطعنامه در خوزستان و مناطق عملیاتی کار کرده‌ام است - می‌گویم.»

علی کاشانی با این جمله از عملیات رمضان می‌گوید و ادامه می‌دهد: بارها در عملیات مختلف حضور داشتم اما برای اولین بار بود که خاکریزهای مثلثی را می‌دیدم. عجیب بود. قبیل از اینکه از این خاکریز مثلثی بگویم، می‌خواهم یک جمله تکراری بگویم. این جمله را شاید بارها شنیده باشید که دست‌های ما برای دفاع از این آب و خاک، خالی بود. ما حتی برای اسیم خادار و رساندن اسلحه مشکل داشتیم اما عراق یک دنیا پشت‌سروش بود. این خاکریزهای مثلثی برای غافلگیری ما یک نمونه از هزاران هزار کسک دنیا به رژیم بعث بود. طرح و نقشه خاکریزهای مثلثی را اسرائیلی‌ها به بعضی‌ها داده بودند. داخل هر خاکریز مثلثی یک خاکریز مثلثی شکل دیگر بود. این خاکریزها از سه طرف تجهیز نظامی شده بود. کافی بود پسیای یک نفر داخل این خاکریز برود، از سه طرف هدف حمله قرار می‌گرفت.

حرفم برای عجایب عملیات رمضان تمام نشده است. یک چیز عجیب دیگری که در عملیات رمضان دیدیم، می‌دانید چه بود؟ من با چشم‌های خودم در این عملیات میدان مینی دیدم که در تمام دوران جنگ و عملیات‌هایی که بودم، به بزرگی آن ندیده بودم. از جلوی پاسگاه زید تا جایی که چشم کار می‌کرد، مین کار گذاشته بودند. میدان مینی دراندشت.

عراق از همه این امکانات و تجهیزات برای مقابله با ما در عملیات رمضان استفاده کرد. از هر چه بگذریم، از گرمای سوزان

## علی کاشانی

متولد ۱۳۴۴ است. از آن رزمندگان است که تجربه جنگیدنش به اندازه تمام سال‌های دفاع مقدس است. با شروع جنگ تحصیلی وارد جبهه‌های جنگ در محدوده جنوب می‌شود. کاشانی در بخش‌هایی مانند طرح و اطلاعات و فرماندهی گردان فعالیت کرد. بعد از قطعنامه به مشهد برگشت و مقابل شورش‌های طالبان و اشراپیان محدود شده ایستاد. مدتی نیز با عنوان مسئول راهبان نور، کارورایتگری دوران جنگ را برعهده گرفت. او در تمام این مدت بارها مجروح شد اما از هدف خود برای دفاع از کبان این کشور دست نکشید.

عملیات رمضان در شب ۲۱ رمضان مصادف با ۲۲ تیرماه ۱۳۶۱ را رمز یا صاحب‌الزمان (عج) ادرکنی، در منطقه عملیاتی شلمچه و شرق بصره آغاز شد. عملیاتی سنگین که یکی از عملیات‌های بزرگ زرهی‌زمینی پس از جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌رود.

بعد از عملیات پیروزمنند بیت‌المقدس هنوز بخش‌هایی از خاک ایران در تصرف عراق بود و هیچ ضمانتی برای تخلیه نیروهای عراقی و بازگشت به مرز به‌صورت جدی وجود نداشت. بر این اساس در عملیات رمضان برای نخستین بار

## گواه تاریخ دفاع مقدس

امتیاز اراضی، پایان عادلانه‌ای برای جنگ رقم بزنند. به این ترتیب فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران عملیات «رمضان» را در چهار محور و پنج مرحله طراحی کردند. اما این عملیات آن‌طور که باید، به اهداف از پیش تعیین شده دست نیافت. اگرچه جمهوری اسلامی در عملیات رمضان به اهداف از پیش تعیین شده خود دست نیافت، با انجام این عملیات و ورود به خاک دشمن نشان داد که در

دست‌یابی به حقوق خود مصمم است. فداکاری فراوان نیروهای ایرانی باعث شکسته شدن خطوط پی‌درپی ارتش عراق و نفوذ نیروهای ایرانی در بخش‌هایی از این خطوط شد و ضربات سنگینی به ارتش عراق از نظر نفر و ادوات وارد شد. اما با وجود ایثار نیروهای ایرانی، فرماندهان در نهایت به این جمع‌بندی رسیدند که عملیات را متوقف و به تثبیت خطوط، اکتفا کنند. در نتیجه برخی اهداف از پیش تعیین شده برای عملیات رمضان محقق نشد.



روزی، تنوری و داغ بود. بچه‌های تخریب آزاردهنده حنجره را تجربه کرده باشند. این شربت‌ها را که می‌بینم، یاد عطش و تشنگی رمضان ۶۱ می‌افتم. آن روزها من هفده‌ساله بودم. مثل همین روزها بود که عملیات رمضان شروع شد. دقیق‌تر بگویم ۲۲ تیرماه سال ۶۱ و هم‌زمان با ماه رمضان عملیات در خوزستان شروع شد. وصف گرمای خوزستان و خرمایزان برای همه تکراری است. ما در اوج گرمای ۵۰، ۶۰ درجه با عراقی‌ها جنگیدیم. تمام رخت و لباسی که به تن داشتیم، در عرض یک ساعت به شوره‌زاری تبدیل می‌شد که اگر آبی به آن نمی‌زدیم، پوست بدنمان را می‌سوزاند. مثل نمکی روی زخم.

**برای اینکه از شدت گرمادگی و ضعف بچه‌ها کم شود، آن رزمنده‌ها قرص‌های گردی به اسم قرص نمک می‌دادند**

تشنگی از همان آب تشت خوردند. وقتی می‌گویم عطش یعنی این...»

● قرص نمک برای رفع عطش

علی تفقد دیگر رزمنده عملیات رمضان است. خودش را این‌گونه معرفی می‌کند: «من همانی هستم که امام‌خیمینی سال ۴۲ وعده‌اش را داد. امام(ره) گفت سربازان من هنوز در گهواره‌اند. من از همان‌ها هستم. علی تفقد متولد سال ۱۳۴۴ و سرباز وطن در دوران جبهه‌های دفاع مقدس، دانش‌آموزی که با پول و هزینه شخصی، خودش را به جبهه‌های جنگ رساند. در دوران جنگ در عملیات‌های زیادی شرکت کردم اما عملیات رمضان چیز دیگری بود.»

قبل از آنکه صحبتش را کامل کند، می‌خواهد که چند دقیقه منتظرش بمانیم. با همان اندک وسایل داخل آشپزخانه هیئت، شربتی آماده می‌کند و با یک سینی از لیوان‌های شربت می‌آید: «بفرمایید شربت ایلیمو! در این روزهای گرم و برای رفع عطش، عالی است. این شربت‌ها در این

هوا و این اوضاع کربلایی خوردن دارد.»

روایت رزمنده عملیات رمضان با همان عطش تیرماه شروع می‌شود: «قدر شربت و آب را کسی می‌داند که



## علی تفقد

متولد ۱۳۴۴ است. در دوران دانش‌آموزی با شروع جنگ تحصیلی، وارد جبهه‌های جنگ می‌شود. اواز ابتدای جنگ تحصیلی تا پایان آن در جبهه‌های نبرد حضور فعال داشته است و در این مدت در بخش‌هایی مانند طرح عملیات و گردان به دفاع از آب و خاک کشور می‌پردازد. با پایان جنگ تحصیلی، تفقد در پی فعالیت طالبان و اشراپ‌در مرزهای شرقی و استان سیستان و بلوچستان به این محدوده می‌رود تا با دفاع از این مناطق، امنیت به مرزهای شرقی برگردد.

دست‌یابی به حقوق خود مصمم است. فداکاری فراوان نیروهای ایرانی باعث شکسته شدن خطوط پی‌درپی ارتش عراق و نفوذ نیروهای ایرانی در بخش‌هایی از این خطوط شد و ضربات سنگینی به ارتش عراق از نظر نفر و ادوات وارد شد. اما با وجود ایثار نیروهای ایرانی، فرماندهان در نهایت به این جمع‌بندی رسیدند که عملیات را متوقف و به تثبیت خطوط، اکتفا کنند. در نتیجه برخی اهداف از پیش تعیین شده برای عملیات رمضان محقق نشد.

# شهر

روزنامه شهرامیدوزنگی

۲شنبه

۳۳ خرداد ۱۳۹۹

شماره ۳۱۵۰

SHAHRARANNEWS.IR



## جامعه



## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## جامعه

## ملاحظات پلنیک سیهسالار اعظم



کاغذ از خراسان. اخبارنگار اختر از مشهد مقدس می‌نویسد این روزها به‌طور موقت خبر رسید ایوب‌خان که بعد از شکست قندهار فرار نموده به حدود خراسان گذشته وارد قاینات شده در محل موسوم به گزک واقع در هجده فرسخی بیرجند حاکم‌نشین قائن توقف گزیده است. معلوم است منتظر ظهور اراده دولت

علیه ایران است.

جناب اشرف سیهسالار اعظم محض به ملاحظات پلنیک و مال‌اندیشی که مجبور فطرت ایشان است برای معاینه و رسیدگی قلعه کلات که تخمیناً به مسافت چهل و پنج میل دورتر از مشهد در سمت شمال شرقی واقع است رفته بودند. بعد از معاینه و بازدید وضع آن صفحات مراجعت فرموده در پنجم ماه ذیحجه وارد مشهد مقدس شدند. از قراری که همراهان مشارالیه نقل می‌کنند موقع کلات خیلی محکم و مضبوط بوده است. دور کلات تقریباً هشتاد میل است. اهالی آنجا به جز قند و چایی در هنگام ضرورت از ملبوس و خوراک سال‌ها محتاج به خارج نیستند. دورتادور قلعه کنگره و مزل‌های خداآفرین دارد، به طوری که اگر بانصد نفر تفتگی در معابر آنجا بایستد محال است که صد هزار لشکر معلوم بتوانند آنجا را تسخیر نمایند. آب‌های جاری و مرتع و مزارع از خود دارد. کوه‌های بسیار بلند ییلاقی در آنجا هست. دور دیوار خدا آفرینش همه سنگ‌های صلب و خارا است. در اغلب جا برآمدگی‌ها دارد مانند برج که طبیعی است. نادر شاه مرحوم در داخل قلعه سیصدوشصت آب‌انبار درست کرده است که هر روز به نوبت از یکی آب برمی‌داشته. اکنون قدری خراب شده، محتاج جزئی تعمیر است. عمارات مخصوصه دارد. هرگاه دولت علیه ایران خرابی‌های جزئی آنجا را تعمیر و مضبوط نماید صد هزار لشکر روس که ناچار راه عبورشان به افغانستان منصرف از شمال شهر کلات است ممکن نیست بدون رضای دولت ایران از آنجا بگذرد چون که دو فرسخ از دامنه سمت شمال همه جای راه ریگزار است. طول خود کلات از مشرق به مغرب تخمیناً بیست و یک میل و عرض آن از جنوب به شمال دوازده میل است. پس از تشریف جناب سیهسالار وضع شهر مشهد مقدس نیز خیلی تغییر یافته از اهتمامات جناب ایشان خیلی قواعد حسنه در آنجا جاری شده است.

اختر. اخبارنگار پس از این تفصیلات شرح مبسوطی از اجرائات حسنه سیهسالار مرحوم نوشته بودند. به مناسبت وفات ایشان که خدایش رحمت کناد از نوشتن آن تفصیلات برای اینکه موجب ازدیاد کدورت ترقی خواهان وطنی تواند گردید صرف نظر کردیم.

روزنامه وقایع اتفاقیه

شماره ۴ سال ۸ / ۲۳ محرم ۱۲۹۹

**محمدطه** ا و تیم و تعویض آسفالت و جدول کوچه حمام نور: سال‌هاست که شهرداری برای کوچه حمام نور در خیابان شفیعی ۴۷ اقدام به تعویض جدول و آسفالت کرده است اما متأسفانه فقط تا سه‌راه کوچه. بعد از سه‌راه به‌سمت آخر کوچه که متر از زیادی هم نیست، به حال خودش رها شده است. جدول‌های سیمانی فرسوده هستند و پناهگاه موش‌ها شده‌اند. وقتی می‌بینیم در بالای شهر هر دو سال یک‌بار همان جدول عوض می‌شوند و اینجا حتی یک‌بار هم نه، حسرت می‌خوریم. آسفالت کف کوچه، کنده شده است و لاستیک خودروها را پاره می‌کند. نیاز به آسفالت جدید و یکدست دارد. پیاده‌رو این کوچه هم فرازنشیب زیادی دارد. آخر کوچه که قبلاً بن‌بست بوده، به صورت غیرمهندسی باز شده است. برای حل این موضوع، یا منزل آخر کوچه را خریداری و تخریب کنید تا درست شود یا به گذاشتن نرده برای جلوگیری از ورود به کوچه اقدام کنید. خواهشمندیم رسیدگی فرمایید.



فرامرز فرخ‌فر نمای زبیا پارک ملت مشهد.



**علی کاشانی:** قرار بود خاکریز بعضی‌ها را که بعد حملات ما آن را رها کرده بودند، پاک‌سازی کنیم. آن روز وقتی داخل خاکریز رسیدیم، تشنگی را دیدیم که داخلش آب و لباس بود. معلوم بود بعضی‌ها درحال شستن لباس بودند که خاکریز را با حملات ما رها کرده بودند.

بچه‌های رفع تشنگی از همان آب تشت خوردند. آب و لباس بود. معلوم بود بعضی‌ها درحال شستن لباس بودند که خاکریز را با حملات ما رها کرده بودند. بچه‌های رفع تشنگی از همان آب تشت خوردند. آب و لباس بود. معلوم بود بعضی‌ها درحال شستن لباس بودند که خاکریز را با حملات ما رها کرده بودند.

**مشور حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد (۲۱)**

**فصل پنجم: حق بر اقتصاد**

۵-۳- تولید

۵۵- حق همه شهرنشینیان است که از فرصت‌های برابر در دستیابی به کار متناسب با شأن خود برخوردار باشند.

۵۶- مدبر بیت شهری موظف است به صورت تدریجی با ایجاد زیرساخت‌های لازم، کسب و کارهای غیررسمی را که توسط افراد بیکار یا با درآمد کم شکل می‌گیرد، ساماندهی نماید

برای مطالعه مشور کامل حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد، کد QR را اسکن کنید

